

نقش دیپلماسی مسیر دوم در حل منازعه ترکیه-ارمنستان: مطالعه موردی کمیسیون همبستگی ترک-ارمنی

پروین نگین راز^۱

سید محمد کاظم سجادی پور^۲

گارینه کشیشیان سیرکی^۳

منازعه ترکیه-ارمنستان به عنوان یکی از طولانی‌ترین منازعه‌های قرن حاضر ریشه در عوامل سرزمینی و هویتی دارد. نوع منازعه، حضور بازیگران متعدد، منافع متعارض بازیگران و نبود روابط دیپلماتیک میان دو کشور یافتن راه‌کاری برای حل منازعه را بیش از پیش مشکل ساخته است. از این رو، فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم از طرفی با توجه به کاربردی که در رفع موانع ذهنی در مناقشات هویتی دارند و از طرف دیگر با توجه به بسته بودن مسیر مذاکرات رسمی در این مناقشه مورد استفاده قرار گرفت. مهم‌ترین فعالیت دیپلماسی مسیر دوم صورت گرفته از حیث از میان برداشتن تابوی ارتباط میان جوامع مدنی ترک و ارمنی، کمیسیون همبستگی ترک-ارمنی بود. این کمیسیون با هدف ایجاد زمینه‌ای که دو طرف بتوانند موضوعات اصلی فی‌مابین را مورد بحث و بررسی و از ماحصل آن سطح روابط دو کشور را افزایش دهند در سال ۲۰۰۱ شروع به کار کرد، اما به دلیل ضعف‌های موجود در طراحی فعالیت در سال ۲۰۰۴ با حصول دستاوردهای اندک متوقف شد. مقاله حاضر با استفاده از الگوی ارزیابی چند لایه‌ای دیپلماسی مسیر دوم به بررسی نقاط قوت و ضعف فعالیت یادشده می‌پردازد و چرایی عدم موفقیت این فعالیت در ایجاد زمینه‌های لازم برای دستیابی به صلح پایدار را مورد مذاقه قرار می‌دهد. در همین راستا، میزان رعایت اصول پایه دیپلماسی مسیر دوم، میزان دستیابی به اهداف و نقش‌های فعالیت مورد نظر در فضای سیاسی، اجتماعی و تاریخی حاکم بر منازعه به صورت کیفی سنجیده می‌شود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی مسیر دوم، کمیسیون همبستگی ترک-ارمنی (تارک)، منازعه ترکیه-ارمنستان، الگوی ارزیابی چند لایه‌ای دیپلماسی مسیر دوم و جوامع معرفتی.

^۱ دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: parvin.neginraz@gmail.com

^۲ نویسنده مسئول، استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Email: Smksajjad@yahoo.com

^۳ استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: g_keshiyan@azad.ac.ir

^۴ این مقاله علمی _ پژوهشی می‌باشد. تاریخ دریافت ۹۹/۶/۵ و تاریخ پذیرش ۹۹/۷/۱۲

مقدمه

منازعه ترکیه-ارمنستان از طولانی‌ترین منازعات قرن بیستم و بیست و یکم است که ریشه در جنگ جهانی اول دارد. ارمنی‌ها از جانب ترک‌ها متهم به خیانت به امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول هستند. بر همین مدعا در سال ۱۹۱۵ دولت‌مردان عثمانی با همکاری رهبران قیام ترکان جوان^۱ دست به تبعید ارمنه در مقیاس گسترده زدند. این تبعید از نظر ارمنه نسل‌کشی نامیده شد و بعد از استقلال ارمنستان این کشور تصمیم به ثبت آن در سطح بین‌المللی گرفت. ارمنستان همچنین اعلام کرد، عهدنامه قارص^۲ ۱۹۲۱ که مرز ترکیه و ارمنستان را مشخص می‌کند، لغو خواهد کرد. جنگ قره‌باغ^۳ میان ترکیه و جمهوری آذربایجان و حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان روابط میان دو کشور را بیش از گذشته وارد تنش ساخت. دولت ترکیه مرز این کشور با ارمنستان را مسدود و روابط دیپلماتیک خود با این کشور را قطع کرد. در شرایطی که گفتگوهای رسمی میان دو کشور به دلیل شدت مناقشه ممکن نبود، فعالیت دیپلماسی مسیر دوم با هدف یافتن راه‌حلی برای حل تنش‌ها میان دو کشور به کار گرفته شد. از جمله فعالیت‌های صورت گرفته در این حوزه تشکیل "کمیته همبستگی ترک-ارمنی"^۴ بود.

تارک از نظر سطح شرکت‌کنندگان، میزان توجه رسانه‌ها، میزان جلب‌نظر افکار عمومی و تاثیری که بر منازعه ترکیه و ارمنستان داشت مهم‌ترین فعالیت دیپلماسی مسیر دوم در حل منازعه ترکیه-ارمنستان محسوب می‌شود. از جمله اهداف این طرح، ایجاد فضایی بود که دو طرف بتوانند موضوعات اصلی فی‌مابین را مورد بحث قرار داده و در نهایت به ارتقاء سطح روابط دو کشور کمک کنند. با این وجود این فعالیت به دلیل نواقصی که در فعالیت وجود داشت و همچنین به دلیل فضای حاکم بر روابط دو کشور و منطقه قفقاز به دستاوردهای عملی کمی دست یافت. اما از آن جهت که تابوی ارتباط جوامع مدنی دو کشور با یکدیگر را از میان برداشت نقطه عطفی در روابط دو کشور محسوب می‌شود (Shougarian, 2016: 83-93). سؤال اصلی مورد بررسی در مقاله حاضر این است که «به چه دلیل تارک موفق به ایجاد دستاوردهای ملموس جهت ایجاد صلح پایدار بین دو کشور نشد؟» برای دستیابی به پاسخ

^۱. Jön Türkler

^۲. Treaty of Kars

^۳. Karabakh

^۴. از این پس تارک خوانده می‌شود.

مناسب برای پرسش اصلی طرح چهار پرسش فرعی «اصول پایه فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم تا چه حد در تارک رعایت شد؟، اهداف تارک چه بود و این فعالیت تا چه حد به اهداف خود دست یافت؟، نقش تارک در حل منازعه ترکیه-ارمنستان چه بود و تا چه حد توانست به نقش خود عمل کند؟، فضای سیاسی حاکم بر منازعه چگونه تارک را تحت تاثیر قرار داد؟» و پاسخ به آنها ضروری است.

ادبیاتی که در خصوص تارک وجود دارند، اغلب به بررسی زوایای گوناگون این فعالیت پرداخته‌اند و برخی دیگر درباره علل عدم موفقیت آن نوشته شده‌اند. شوگاریان^۱ قابل قبول نبودن ارتباط بین شرکت‌کنندگان و دولت متبوع و عدم حضور نماینده تمامی گروه‌ها در تارک را علت اصلی شکست این فعالیت می‌داند. یاپیچی^۲، علاوه بر شرکت‌کنندگان نامناسب، دخالت آمریکا در این فعالیت را از نقاط ضعف تارک معرفی می‌کند. تادووسیان^۳، زمان نامناسب شروع طرح و فضای حاکم بر منطقه قفقاز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را به موارد دیگر اضافه می‌کند. نوشته حاضر برای پاسخ به سوالات اصلی و فرعی مطرح شده، تارک را از طریق الگوی ارزیابی چند لایه‌ای دیپلماسی مسیر دوم (سجادپور و نگین راز، ۱۳۹۳: ۲۲۶-۲۳۱) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. فرضیه مقاله حاضر این است که «تارک به سبب رعایت نکردن اصول پایه فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم، نتوانست نقش خود در انتقال دستاوردها، ایجاد جوامع معرفتی طی مرزهای درگیری و صلح پایدار را جامع عمل بپوشاند».

روش به کار گرفته شده در این مقاله توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌های مقاله نیز کتابخانه‌ای-اسنادی است. برای بررسی موضوع تحقیق از کتاب‌ها، مقالات، رساله‌های معتبر، مصاحبه‌ها و تارنمای فضای مجازی استفاده شده است.

چارچوب مفهومی، دیپلماسی مسیر دوم فعالیت غیررسمی است که توسط طرف ثالث غیررسمی شکل می‌گیرد و در آن افراد رسمی و یا غیررسمی با استفاده از ظرفیت‌های شخصی خود برای بررسی ریشه‌های منازعه و ایجاد استراتژی، تاثیر بر افکار عمومی، سازماندهی منابع انسانی و مادی و ابداع روش‌هایی که می‌تواند در حل اختلاف کمک کند، فراهم می‌آیند (سجادپور و نگین راز، ۱۳۹۳: ۲۱۷). این نوع دیپلماسی ارتباط مستقیمی

^۱. Shougarian, 2013

^۲. Yapic, 2013

^۳. Tadevosian, 2000

با فلسفه سیاسی دارد. فلسفه سیاسی مطالعه علمی تاثیر رفتار انسان بر اعمال سیاسی است. همانطور که هربرت کلمن^۱ می‌گوید، هرچند عامل اصلی منازعات بین‌المللی منازعه بر سر کسب منافع است، اما عوامل روانشناسانه از طریق ایجاد سدهای ذهنی - هویتی سبب تشدید منازعه می‌شوند (Kelman, 1972:125). از این منظر، فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم از طریق برطرف نمودن سدهای ذهنی گام نخست را در حل منازعات برمی‌دارند. این فعالیت‌ها شرایطی را فراهم می‌کند تا طرفین منازعه بدون هیچگونه فشار از خارج عقاید، نظرات، نگرانی‌ها و حتی راه‌های حل و فصل مناقشات را بیان کنند. به عبارتی این اقدامات فرصتی برای شرکت‌کنندگان فراهم می‌کند تا یکدیگر را درک کنند و با فائق آمدن بر سدهای ذهنی نشأت گرفته از باور "دیگری"^۲ منطقی برای ادامه گفتگوها تا رسیدن به اجماع در مورد راهبردهای حل و فصل مناقشات بیابند (Neginraz and Verabie, 2020:327).

چگونگی رسیدن به اجماع در این فعالیت‌ها را می‌توان بر اساس نظریه ارتباطی یورگن هابرماس^۳ توضیح داد. بر اساس نظریه ارتباطی، سخنان یک فرد در ارتباط وی با دیگران در صورتی موفق است که دیگران توصیه‌های وی را بپذیرند. این امر ایجاد نوعی منطق غیررسمی می‌نماید و از آن جهت اهمیت دارد که سبب وادار کردن دیگران به توافق بر مباحث نظری و معنوی از طریق قیاس و یا شواهد تجربی غیرممکن می‌گردد. این منطق به افراد اجازه می‌دهد تا وارد روند منظمی از مباحثات معنوی گردند و با دنبال کردن فعالیت‌های ارتباطی به اجماع برسند. نکته حائز اهمیت این است که روند یاد شده باید به دور از هر گونه اجبار و فشار از بیرون صورت گیرد تا مثمر ثمر واقع شود (Wehrenfennig, 2008:359).

در فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم پس از ایجاد اجماع پیرامون راه‌کارهای محتمل، نوبت به مرحله انتقال دستاوردها به تصمیم‌گیران و عموم می‌رسد. آنچه در مرحله انتقال مهم است، توانایی شرکت‌کنندگان در اقناع رهبران عالی‌رتبه یا عموم است. بر اساس الگوی اقناعی هاولند^۴، اقناع در شش مرحله اساسی صورت می‌گیرد. این مراحل شامل قرار گرفتن در معرض پیام، توجه به پیام، درک پیام، پذیرش نتیجه‌گیری مربوط به پیام، نهادینه کردن نگرش جدید و تبدیل نگرش جدید به رفتار است (Zimbardo, 1991:8).

¹. Herbert Kelman

². The Other

³. Jurgen Habermas

⁴. Hovland's Persuasion Model (HPM)

وود و ایگلی^۱ (Wood and Eagly, 1981:246-259) چهار متغیر اصلی الگوی اقتناع هاوند را منبع پیام، پیام، کانال پیام و مخاطبان معرفی می‌کنند. این متفکران معتقد هستند، اگر منابع پیام، افرادی باشند که دارای تخصص و دانش در رابطه با موضوع باشند، قابل اعتمادتر هستند. علاوه بر منبع پیام، خود پیام بسیار مهم است. یکی از اولین ویژگی‌های پیام، تأکید به موقع آن بر هیجان یا استدلال است. وقتی مخاطبان کمتر با موضوع آشنا هستند، کمتر از نظر عاطفی درگیر می‌شوند و می‌توانند تحت تأثیر پیام‌هایی قرار گیرند که بار احساسی داشته باشند. این در حالی است که نخبگان جامعه و افراد درگیر در موضوع از پیام‌هایی تأثیر می‌پذیرند که مبنی بر استدلال است.

در خصوص انتقال دستاوردهای دیپلماسی مسیر دوم، الگوی صلح‌سازی^۲ پل لدرچ^۳، مکان شرکت‌کنندگان را به عنوان منابع پیام در این فعالیت‌ها و همچنین جایگاه مخاطبان پیام راروشن می‌کند. در این الگو، سه سطح از رهبران عالی‌رتبه، رهبران میانه و رهبران محلی وجود دارد. سطح اول، شامل نخبگان سیاسی، نظامی و مذهبی درگیر در منازعات است. این گروه از افراد به دلیل موقعیت رسمی خود نمی‌توانند در بیان مواضع و نظرات انعطاف‌پذیر باشند و باید بر اساس مواضع رسمی دولت‌های متبوع خود اظهار نظر کنند. سطح دوم، شامل رهبران سطح متوسط مانند روسای سازمان‌های غیر دولتی است. این افراد به دلیل نداشتن جایگاه رسمی در اظهار نظرها از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردارند. تعداد افراد در این سطح بیشتر از سطح اول است. رهبران در این سطح به دلیل رابطه با دو سطح دیگر اهمیت دارند. آنها پل ارتباطی میان رهبران عالی‌رتبه و رهبران محلی هستند. سطح سوم، شامل رهبرانی است که نماینده جوامع محلی هستند و بر مردم تأثیر می‌گذارند (Maiese, 2013). در بیشتر فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم، رهبران سطح میانه شرکت‌کننده هستند و باید پیام‌ها را به دو سطح دیگر منتقل کنند.

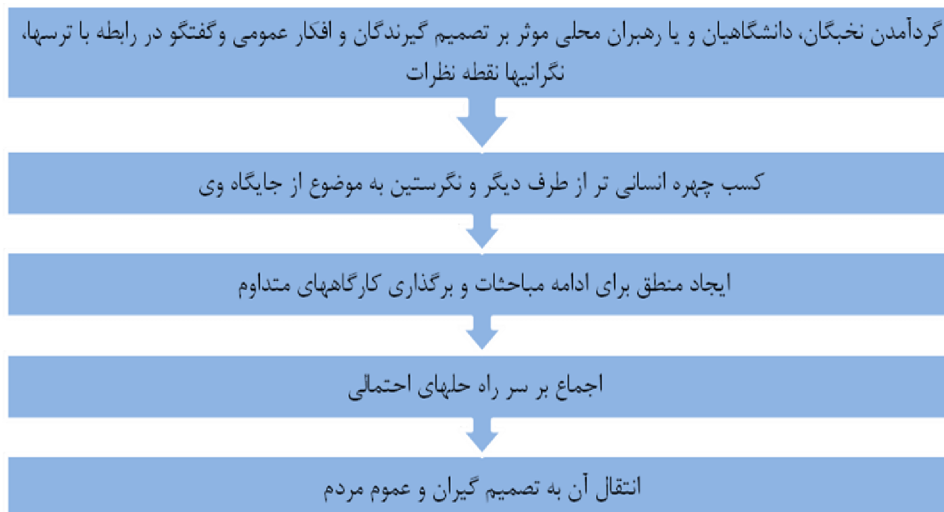
برای سنجش میزان موفقیت فعالیت دیپلماسی دوم باید میزان موفقیت پنج سطح تعریف شده در این فعالیت (شکل ۱) ارزیابی گردد. الگوی ارزیابی چند لایه‌ای دیپلماسی مسیر دوم کامل‌ترین الگویی است که تاکنون برای ارزیابی این فعالیت‌ها ارائه شده است.

1. Wood and Eagly

2. Peace Building Model

3. Paul Ledarch Peacebuilding Model

شکل ۱. مراحل فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم



Source: (Neginraz and Verabie, 2020: 332)

مرحله نخست ارزیابی در این الگو، ارزیابی میزان رعایت اصول پایه در فعالیت دیپلماسی مسیر دوم است. مهم‌ترین اصول پایه در فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم، غیرعلنی بودن فعالیت‌ها، نقش فعال طرف ثالث، دعوت از افراد تاثیرگذار برای شرکت در فعالیت، ایجاد جوامع معرفتی^۱، بحث‌های تحلیلی و دستیابی به راه‌حل‌های محتمل، برابری طرف‌ها در ابراز عقاید و نظرات و در نظر داشتن توازن قدرت طرف‌های درگیر است.

مرحله دوم الگوی ارزیابی چند لایه‌ای، سنجیدن نقش‌ها در فعالیت دیپلماسی مسیر دوم است. نقش‌ها در یک مجموعه با توجه به اهداف تعیین می‌شود در مورد فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم نیز این گونه است. رویارو نمودن نخبگان، آشنایی متقابل با دیدگاه‌ها^۲، انتقال به سطوح تصمیم‌گیران و عموم جامعه و حمایت از دستاوردهای مذاکرات اصلی از جمله مهم‌ترین نقش‌های برای این فعالیت‌ها هستند.

در مرحله رویارو نمودن نخبگان دو طرف منازعه قانع می‌شوند در کنار یکدیگر قرار گرفته و به این باور که در طرف مقابل کسی هست که خواهان صلح است، تکیه کنند. در مرحله آشنایی متقابل با دیدگاه‌ها^۳ نخبگان با آراء و نظرات یکدیگر و همچنین ترس‌ها و

^۱. Epistemic Society

^۲. Socialization

^۳. Socialization

دغدغه‌های طرف مقابل آشنا می‌شوند. بدین ترتیب درک جدیدی نسبت به منازعه در این افراد شکل می‌گیرد. رویکرد افراد بعد از شناخت از حاصل جمع صفر^۱ که در آن فقط منافع و هویت خود را در نظر گرفته و به هویت و منافع دیگری اهمیت نمی‌دهند به حاصل جمع مثبت^۲ تغییر می‌یابد و با همفکری یکدیگر روش‌هایی که می‌تواند به عنوان طرحی برای برون رفت از منازعه به کار گرفته شود را تدوین می‌نمایند (Kaye, 2007:21-29).

در مرحله انتقال به سطوح تصمیم‌گیران و عموم جامعه، شرکت‌کنندگان عقاید و نظراتی را که در مرحله پیشین ساخته و پرداخته شده‌اند به تصمیم‌گیران و مردم منتقل می‌کنند. در مرحله حمایت از دستاوردهای مذاکرات اصلی نیز بر اعتمادسازی و رفع ابهاماتی که در توافقات حاصل از مذاکرات رسمی وجود دارد تمرکز می‌شود. در خصوص این نقش باید در نظر بگیریم طرح‌ها در کدام مرحله از منازعه صورت می‌گیرند. چنانچه فعالیت در دوران پیش و یا حین مذاکرات اصلی توقف یابد، حمایت جزو نقش‌های تعریف شده برای فعالیت نیست. این نقش در جهت رسیدن به اهداف بلند مدت، همانند صلح‌سازی، تعبیه شده است.

مرحله سوم، ارزیابی میزان دستیابی دیپلماسی مسیر دوم به اهداف تعیین شده است. دیپلماسی مسیر دوم، مکمل دیپلماسی مسیر اول است. بیشتر فعالیت‌های مهم در دیپلماسی مسیر دوم با هدف ایجاد پلی برای پر کردن خلاءهای دیپلماسی مسیر اول صورت می‌گیرد. اما به صورت جزئی‌تر می‌توان برای فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم سه دسته اهداف را تعریف نمود. اهداف کوتاه مدت^۳ که در اغلب طرح‌ها یافتن حامیان مادی و معنوی برای طرح، تشکیل کارگاه‌ها و یا جلسات حل اختلاف و گرد هم آوردن شخصیت‌های تاثیرگذار از هر طرف است. دسته دوم از اهدافی که در این فعالیت‌ها دنبال می‌شود، اهداف میان مدت^۴ هستند. از جمله این اهداف می‌توان به ایجاد درک جدید نسبت به دیگری از طریق آشنایی با نظرات و دغدغه‌های طرف دیگر، تغییر روابط میان طرف‌های شرکت‌کننده، انتقال این تغییرات به سطوح تصمیم‌گیران، اعتمادسازی بین طرفین، دستیابی به راه‌حلی مشترک برای حل مناقشه و رسیدن به توافق و ایجاد جوامع معرفتی اشاره کرد. فعالیت‌های

1. Zero-sum

2. Plus-sum

3. Short Term Goals

4. Midterm Goals

دیپلماسی مسیر دوم، اهداف بلند مدت^۱ نیز دارند. هدف بلند مدت اغلب این فعالیت‌ها صلح‌سازی است، اما می‌توان اهداف بلند مدت دیگری مانند ورود یافتن افراد شرکت‌کننده در این فعالیت‌ها به جرگه تصمیم‌گیران در آینده و یا تاثیرگذاری بر توده‌ها را نیز به آن اضافه کرد که البته بسته به شرایط این دو هدف می‌تواند میان مدت هم باشد.

۱. تاریخچه منازعه ترکیه-ارمنستان

در سال ۱۹۱۴، ترکان وارد اتحاد با آلمان و امپراتوری اتریش-مجارستان در جنگ جهانی اول شدند. رهبران نظامی وقت ترکیه شروع به استدلال نمودن که در شرایط حاکم بر آن زمان ممکن است، آنها به نفع روسیه وارد جنگ با عثمانی شوند. این پیش‌بینی‌ها با شدت گرفتن جنگ به حقیقت پیوست و آرامنه‌گردان‌های داوطلبانه‌ای را برای کمک به ارتش روسیه در نبرد با ترک‌ها در منطقه قفقاز شکل دادند. این وقایع و به‌طور کلی ظن دولت عثمانی در مورد آرامنه مسبب اتخاذ راهبرد "حذف" ارمنی‌ها از مناطق جنگی در امتداد جبهه شرقی گردید (Wael, 2010:15). در سال ۱۹۱۵، امپراتوری عثمانی با برنامه‌ای از پیش تعیین شده در شب ۲۴ آوریل صدها تن از رهبران سیاسی و روشنفکران ارمنی را دستگیر و به قتل رساند. از فردای ۲۴ آوریل سربازان عثمانی به شهرها و روستاهای ارمنی‌نشین رفته و آنها را به این دلیل که در منطقه جنگی قرار دارند و باید به مکان‌های امن منتقل شوند از خانه‌هایشان بیرون کشیدند. این افراد در قالب گروه‌های ارمنی که بیشتر شامل زنان، کودکان و سالخورده‌گان بودند به صورت کاروان‌هایی به طرف تبعیدگاه‌ها روانه شدند (نقاش، ۱۳۹۷).

پس از شکست عثمانی‌ها در جنگ جهانی اول، پیمان سور^۲ که با هدف تنبیه امپراتوری عثمانی میان نیروهای متفق پیروز در جنگ و امپراتوری عثمانی امضا شد، وضعیت سرزمین ارمنی‌نشین را مشخص نمود. این پیمان دارای مفاد مختلفی بود و سبب جدا شدن بخش اعظمی از امپراتوری عثمانی گردید (Anderson, 2010). متعاقب انعقاد این پیمان و تشکیل جمهوری مستقل ارمنی در ناحیه آناتولی شرقی^۳، جنگی میان نخستین جمهوری ارمنستان و

^۲. Long Term Goals

^۲. Treaty of Sèvres

^۳. Eastern Anatolia

ملی‌گرایان ترک که نسبت به مفاد این پیمان معترض بودند به نام "عملیات شرق"^۱ در گرفت. ارتش جنبش ملی ترکیه^۲ به ارمنستان حمله و بخش‌هایی از ترکیه که توسط آمریکایی‌ها به ارمنستان داده شده بود را اشغال نمود. اندکی پس از حمله ترک‌ها به ارمنستان، اتحاد جماهیر شوروی به این کشور حمله کرد و ارمنستان را به اشغال خود درآورد و بدین ترتیب در ارمنستان حکومتی کمونیستی حاکم گردید. ترکیه و روسیه کمونیستی با یکدیگر پیمان مسکو^۳ و متعاقب آن پیمان قارص را در سال ۱۹۲۱ امضا کردند که بر اساس آنها مرزهای میان ترکیه و ارمنستان مشخص گردید (Vrastoian, 1949:123).

پس از پیمان قارص، رخداد جدید و جدی در روابط دو کشور رخ نداد. حتی ترکیه از نخستین کشورهای بود که در سال ۱۹۹۱ استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت. پس از یک دوره روابط بدون تنش میان ترکیه و ارمنستان، جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه قره‌باغ در سال ۱۹۹۳ بار دیگر روابط میان دو کشور را متشنج ساخت. تا بدانجا که ترکیه در حمایت از جمهوری آذربایجان، بدون اینکه مداخله نظامی انجام دهد، مرز خود را بر روی ارمنستان بست و روابط تجاری با این کشور را تحریم کرد (Goshgarian, 2006). در حال حاضر ترکیه و ارمنستان نزدیک به سه دهه است که با یکدیگر روابط دیپلماتیک ندارند. سه عامل اصلی را که می‌توان برای این امر برشمرد، اتهام ارمنستان به ترکیه در مورد نسل‌کشی ارمنی توسط امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۵، مسئله قره‌باغ و اشغال آن از سوی ارمنستان (کولایی، ۱۳۹۴: ۴۷) و ادعای ارضی ارمنستان در سرزمین ترکیه و عدم پذیرش پیمان قارص است.

بازیگران اصلی منازعه ترکیه-ارمنستان را می‌توان به سه دسته بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تقسیم کرد. بازیگران داخلی این منازعه دول ترکیه و ارمنستان، جناح‌های داخلی و جمعیت دیاسپورای ارمنی^۴ هستند. روسیه و جمهوری آذربایجان مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای و آمریکا مؤثرترین بازیگر فرامنطقه‌ای دخیل در این درگیری هستند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ترکیه با هدف کسب استقلال عمل بیشتر در سیاست خارجی و کاهش نقش روسیه در منطقه تصمیم به ایجاد پیوند میان جمهوری‌های تازه

¹ The Eastern Operation or Eastern Front (Turkish: Doğu Cephesi)

² Turkish National Movement

³ The Treaty of Moscow

⁴ Armenian Diaspora

استقلال یافته از دریای آدریاتیک تا دریای سیاه و بالکان می‌گیرد. تنها جمهوری قفقاز جنوبی که ترکیه نتوانست، روابط خود با آن را ازسرگیرد، ارمنستان بود. ترکیه از یک سو در صورت داشتن مناسبات دوستانه با ارمنستان می‌تواند طرح‌های حمل و نقل کالا توسط راه‌آهن و انرژی توسط لوله‌های نفت و گاز را از مسیر جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکیه انجام دهد و از سوی دیگر با حل مشکل ارمنستان و ترکیه، آنکارا می‌تواند، میان نخجوان و مرزهای خود از مسیر ارمنستان با سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان ارتباط برقرار کند. البته این تنها انگیزه ترکیه برای برقراری ارتباط با ارمنستان نیست. اتحادیه اروپا به عنوان پیش‌شرط عضویت ترکیه در این اتحادیه از این کشور خواسته است که مشکلات و مسایل سیاسی و امنیتی خود با کشورهای دیگر از جمله همسایگان را حل نماید (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۴۰-۴۹).

ترکیه در راستا، دستیابی به اهداف سیاست خارجی و اقتصادی یادشده تلاش‌هایی را برای برقراری ارتباط با ارمنستان صورت داد، اما با توجه به اینکه این کشور خواستار تخلیه اراضی جمهوری آذربایجان از سوی ارمنستان به عنوان پیش‌شرط مذاکره در خصوص روابط دوجانبه است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۹۴) تاکنون پیشرفت قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفته است. با توجه به گرایش سنتی ترکیه نسبت به کشورهای ترک مسلمان چنانچه کشور ترکیه از این پیش‌شرط خود عبور کند با مقاومت‌ها و اعتراض‌های جدی جناح‌های داخلی از جمله حزب عدالت و توسعه^۱، حزب جمهوری‌خواه مردم^۲، حزب جنبش ملی‌گرا^۳ و حزب خوب^۴ مواجه خواهد شد.

ارمنستان در طرف دیگر خواهان پذیرش نسل‌کشی ارمنه توسط دولت ترکیه و مذاکره بدون قید و شرط برای برقراری روابط است. در عرصه داخلی این کشور برای هرگونه توافق با ترکیه با مخالفت‌های برخی جریان‌های سیاسی از جمله اعضای فدراسیون انقلابی ارمنستان^۵

^۱ Justice and Development Party (AKP)

^۲ Republican People's Party (CHP)

^۳ Nationalist Movement Party (MHP)

^۴ İYİ (Good) Party

^۵ Armenian Revolutionary Federation (ARF):

- فدراسیون انقلابی ارمنستان، حزب سیاسی ملی‌گرا و سوسیالیست ارمنستان است که در سال ۱۸۹۰ در تفلیس، امپراتوری روسیه، تأسیس شد. امروز این حزب در ارمنستان، قزلباغ و در کشورهایی که دیاسپورای ارمنی در آن حضور دارد، فعالیت می‌کند. این حزب بیشترین اعضا را در بین سایر احزاب ارمنستان دارد و در نزدیک به دویصد کشور دنیا دارای نهادهای وابسته است. مهم‌ترین نهادهای وابسته این حزب در آمریکا و کانادا حضور دارند. کمیته ملی ارمنه

و جمهوری خواهان و همچنین جمعیت دیاسپورای ارمنه به ویژه در ایالات متحده، روبه‌رو است. مشکل دیگری که مانع برقراری ارتباط میان دو کشور می‌شود باور عمومی مردم ارمنستان در خصوص قتل‌عام مبنی برحق از دست رفته است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۰۳-۱۰۵). با این وجود ارمنستان، اهداف راهبردی مانند کاهش وابستگی ساختاری، نظامی و اقتصادی به روسیه، خروج از انزوای ژئوپلیتیک کمک به حل بحران اقتصادی، پاسخ به بحران‌های اجتماعی مانند جلوگیری از مهاجرت گسترده ارمنه و تضعیف موقعیت جمهوری آذربایجان را پیگیری می‌کند که دستیابی به آنها در گرو تغییر راهبردهای سیاسی و ذهنی نسبت به ترک‌ها است (بنی هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

روسیه به عنوان مهمترین بازیگر منطقه‌ای این منازعه، مناطق خارج نزدیک را حوزه نفوذ انحصاری خود دانسته و مخالف حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این محدوده است (علی حسینی، ۱۳۹۴: ۱۳۵-۱۳۷). بر همین اساس از بحران‌های منطقه‌ای در مولدوی، اوکراین، گرجستان و قره‌باغ استفاده کرده تا نفوذ خود را بر کشورهای پیرامونی حفظ کند. هدف مسکو از این مداخلات، محدود کردن مداخله بیگانگان در این محدوده است (Minassian, 2007:7). در منازعه ترکیه-ارمنستان روسیه جانب ارمنستان را دارد و با توجه به آنچه ذکر آن رفت نسبت به موضوع بازگشایی مرزها میان دو کشور نظر مساعدی ندارد. جمهوری آذربایجان به دلیل درگیری در منطقه قره‌باغ با ارمنستان بر معادلات سیاسی ترکیه و ارمنستان تاثیرگذار است. در بحران قره‌باغ رویکرد راهبردی جمهوری آذربایجان بر محور اتحاد با غرب و ترکیه است. به عبارتی، علاوه بر اهمیت سرزمینی این منطقه برای جمهوری آذربایجان این کشور قصد دارد از این طریق برای مشکلات سیاسی و اقتصادی خود نیز راه‌حل بیابد. بدین ترتیب می‌توان ادعان داشت این کشور خواستار تقویت قدرت‌های بیرونی در تأمین امنیت منطقه و حل مشکل قره‌باغ است و با توجه به جایگاه ویژه ژئوپلیتیک خود تا حد زیادی در این مهم موفق بوده است (مؤمنی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۴۱۵).

آمریکا، شاخه وابسته به فدراسیون انقلابی ارمنستان، قوی‌ترین سازمان لابی ارمنه در ایالات متحده است و سازمان خواهر آن کمیته ملی ارمنه کانادا به عنوان قوی‌ترین و تأثیرگذارترین سازمان ارمنی در کانادا فعالیت می‌کند. فدراسیون انقلابی ارمنستان و سازمان‌های وابسته به آن در سراسر جهان ۱۲ روزنامه منتشر می‌کنند. همچنین دو کانال تلویزیونی که یکی از آنها آنلاین است و دو ایستگاه رادیویی مطالب مورد نظر این حزب را ترویج می‌دهند.

مهم‌ترین بازیگر فرمانطقه‌ای این منازعه ایالت متحده آمریکا است. این کشور با توجه به تأثیرگذاری لابی قدرتمند آرامنه در آمریکا، هم‌پیمانی با ترکیه در چارچوب ناتو (کولایی، ۱۳۹۴: ۴۹) و تمایل به کاهش نفوذ روسیه در ارمنستان از مهم‌ترین بازیگران مؤثر بر روابط ترکیه و ارمنستان به شمار می‌رود. برخی از اندیشمندان دلیل دیگر توجه آمریکا به ارمنستان را منابع غنی نفت و گاز دریای خزر می‌دانند. در این دیدگاه آمریکا ارمنستان را به عنوان یک کشور ترانزیت بالقوه برای انتقال نفت به غرب می‌داند (اسوتویچ، ۱۹۹۸: ۳۳-۳۵). از این رو، آمریکا تمایل به حل مشکلات ارمنستان با همسایگان از جمله ترکیه و جمهوری آذربایجان دارد چرا که از این طریق می‌تواند نفوذ خود در منطقه را به ویژه از نظر اقتصادی افزایش دهد.

۲. اقدامات صورت گرفته

با توجه به آنچه گفته شد دولت‌های دو طرف منازعه جهت برقراری ارتباط با موانع جدی روبرو هستند، لیکن مزایای برقراری ارتباط به‌ویژه در حوزه اقتصادی مانع از نادیده گرفتن تلاش برای برقراری ارتباط می‌گردد. ایده ایجاد روابط دیپلماتیک بین ارمنستان و ترکیه و گشودن مرز به عنوان گامی برای آشتی ابتدا توسط ارمنستان، بلافاصله پس از استقلال این کشور از اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ در دوره دولت تر-پتروسیان^۱ ارائه گردید. با سیاست‌های عمل‌گرایانه پتروسیان روابط دو کشور در مسیر خوبی رو به پیشرفت بود، اما با حمله ارمنستان به خاک جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۳ روابط دو جانبه رو به افول گذارد (Hill and Etal., 2015).

در ۲۲ آوریل ۲۰۰۹ توافقنامه زوریخ بین ترکیه و ارمنستان، با میانجیگری فرانسه، آمریکا و روسیه، بدون هیچ پیش شرطی از جانب طرف ترک امضا شد. بر اساس این توافق، قرار بر این شد که روابط دیپلماتیک بین دو کشور برقرار و مرز گشوده شود. این توافق پیرامون دو موضوع مناقشه برانگیز یعنی کشتار آرامنه در سال ۱۹۱۵ و قره‌باغ مسکوت ماند. قرار بر این بود که این توافقنامه پس از تصویب مجالس دو طرف به مورد اجرا گذاشته شود. در ماه ژانویه ۲۰۱۰ دادگاه قانون اساسی ارمنستان اعلام کرد که برای توافقنامه پیش

^۱. Ter Petrosyan

شرط‌هایی قائل است. دولت ترکیه نیز این اقدام را عدم تمایل ایروان برای امضای توافق قلمداد نمود و توافق حاصله از دستور کار دو کشور خارج گردید. یکی از دلایل اصلی شکست این توافق اعتراضات گسترده مردم به ویژه ارمنی‌ها، بود (Shahnazaryan, 2014:47-49). با توجه به موانع متعدد سیاسی و اجتماعی موجود برای برقراری روابط رسمی میان دو کشور، دیپلماسی غیر رسمی یا همان دیپلماسی مسیر دوم به عنوان راهکاری برای حفظ ارتباط مستقیم بین جوامع به کار گرفته شد. از بین فعالیت‌های متعدد دیپلماسی مسیر دوم که بیشتر از طریق ایالت متحده آمریکا تامین بودجه و برنامه‌ریزی گردید، چند فعالیت نسبت به سایرین از موفقیت بیشتری برخوردار بودند. موضوع این فعالیت‌ها، سطح شرکت‌کنندگان و طرح قویتر از دلایل اصلی موفقیت نسبی این فعالیت‌ها محسوب می‌شوند. فعالیت رهبران تجاری^۱ در سال ۲۰۰۳ تشکیل و پس از چهار ماه در سال ۲۰۰۴ به پایان رسید. هدف این فعالیت جمع‌آوری چروهی قوی از تجار بود که از طریق فعالیت‌های خود باعث توسعه گفتگو بین دو ملت شوند. بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، قرار بود یک اتاق تجارت و صنعت منطقه‌ای به عنوان ابزاری نهادی برای اجرای اهداف فعالیت یاد شده ایجاد شود. اما با توجه به عدم شناسایی این فعالیت توسط دو دولت و بسته ماندن مرز بین دو کشور و ایجاد نشدن سازوکارهای لازم، جلسات سبب توسعه تجارت‌های شخصی بین شرکت‌کنندگان گردید و گام موثری در راستای حل مشکلات تجاری فی‌مابین برداشته نشد. با این وجود این فعالیت توانست شبکه‌ای از نخبگان تجاری میان دو کشور ایجاد نماید (ICHHD, 2016: 117-122).

مجله زنان^۲ نام یکی دیگر از فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم بود که در آن به سردبیری مشترک یک ترک و یک ارمنی، نخستین شماره از مجله‌ای تحت همین عنوان در سال ۲۰۰۴ منتشر شد. این مجله حاوی مطالبی در خصوص فرهنگ، بهداشت، گردشگری، کودکان، مد و غذا به زبان‌های ارمنی، ترکی و انگلیسی بود. این شماره به تعداد ۱۵۰۰۰ نسخه منتشر و در ارمنستان، ترکیه، اروپا و ایالات متحده توزیع شد. هدف از این فعالیت، تأکید بر مشابهت‌های دو ملت بود تا از این طریق در طولانی مدت دیدگاه دو ملت نسبت به یکدیگر انسانی‌تر گردد (Phillips, 2005:79). این فعالیت تا به امروز ادامه دارد و جزو یکی

^۱. Business Leaders

^۲. Women's Magazine

از فعالیت‌های فرهنگی موفق به شمار می‌رود که هر دو ملت از آن استقبال می‌کنند. طبیعتاً این فعالیت می‌تواند در تلطیف فضای فرهنگی دو کشور موثر باشد اما تاثیر آن در حد تغییر فضای کلی منازعه و ایجاد تغییر نگرش بنیادین در راستای صلح پایدار نیست. مبادله موسیقی‌دانان^۱ فعالیت دیپلماسی مسیر دوم دیگری بود که به عنوان ابزاری برای حل منازعه ترکیه-ارمنستان به کار گرفته شد. بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ گروهی از موسیقی‌دانان مشهور ترک و ارمنی تشکیل شد که در شهرهای مختلف، ترکیه، ارمنستان و آمریکا کنسرت برگزار می‌کردند. این اقدام نیز که ریشه فرهنگی داشت با هدف همکاری و تأکید بر مشترکات و ایجاد فضای مثبت بین دو ملت بود. این فعالیت یکی از موفق‌ترین اقدامات بود و در شکستن تابوی ارتباط دو جامعه در صورت ادامه رویدادهای مشابه می‌توانست بسیار موثر باشد. اما به عنوان فعالیتی که فقط یکبار اجرا شد نتوانست تغییرات جدی را در فرآیند صلح‌سازی ایجاد کند (ICHHD, 2016: 146-153).

۳. کمیسیون همبستگی ترک-ارمنی (تارک)

تارک یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم بود، که در ۹ ژانویه ۲۰۰۱ پس از بحث و گفتگو در مرکز گفتگوی انسان‌دوستانه هنری دونانت^۲ در ژنو راه اندازی شد و توسط ایالات متحده در چارچوب "برنامه دیپلماسی مسیر دوم دولت کلینتون^۳ در مورد ترکیه و قفقاز"^۴ تأمین مالی گشت. این فعالیت شش عضو ترک و چهار عضو ارمنی داشت. اعضای ترک تارک شامل گوندز آکتان^۵، اژدم سنبرک^۶، التر تورکمن^۷، سعدی ارگونوس^۸، اوستون ارگودر^۹ و

^۱. Musicians Exchange

^۲. Henry Dunant Centre for Humanitarian Dialogue

^۳. Clinton

^۴. Track Two Program on Turkey and the Caucasus

^۵. Gunduz Aktan

- آکتان سفیر سابق ترکیه در ژنو و تحلیل‌گر سیاسی بود. وی در سال ۱۹۹۸ از وزارت خارجه بازنشسته شد.

^۶. Ozdem Sanberk

- سنبرک دیپلمات بازنشسته ترک بود. وی از ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ سفیر ترکیه در اتحادیه اروپا و از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ سفیر این کشور در انگلستان بود. در سال ۲۰۱۰ وی مدیر سازمان تحقیقات استراتژیک بین‌المللی شد. او همچنین عضو ارشد شبکه رهبری اروپا است.

^۷. Ilter Turkmen

وامک ولکان^۳ می‌شدند. اعضای ارمنستان نیز عبارت بودند از ون ریکوریان^۴، الکساندر آرزومانیان^۵، دیوید هوانیسیان^۶ و آندرانیک میگرانیان^۷. این فعالیت در سال ۲۰۰۴ پس از برگزاری سه جلسه به اتمام رسید (Yapici, 2013:159).

از جمله اهداف تارک ایجاد تریبونی بود که دو طرف بتوانند موضوعات اصلی فی مابین را مورد بحث قرار داده و در نهایت به ارتقاء سطح روابط دو کشور کمک کنند. این فعالیت به دلیل نواقصی که در فعالیت وجود داشت و همچنین به دلیل فضای حاکم بر روابط دو کشور در منطقه قفقاز، به دستاوردهای عملی کمی دست یافت اما از آن جهت که تابوی ارتباط جوامع مدنی دو کشور با یکدیگر را از بین برد، نقطه عطفی در روابط دو کشور به حساب می‌آید. از دستاوردهای عملی این فعالیت می‌توان به تهیه نقشه راه ارتقاء روابط دو کشور اشاره کرد که در آن فهرستی از فعالیت‌هایی که باید توسط دولت مردان در آینده انجام شود ذکر گردید. توصیه‌های این کمیسیون در پیمان زوریخ ۲۰۰۹ مورد استفاده قرار گرفت. دستاورد دیگر ارائه تفاهم‌نامه

- ترکمن بین سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۷ بنیان‌گذار اصلی سرویس امنیت ملی ترکیه و بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳ وزیر خارجه بود. وی همچنین نماینده دائم ترکیه در سازمان ملل در ژنو بین سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۵، نماینده دائم ترکیه در سازمان ملل در نیویورک در سال ۱۹۸۸ بود و در سال ۱۹۹۱ بازنشسته شد. ترکمن همچنین در سال ۱۹۹۶ به عنوان دستیار سازمان امداد پناهندگان فلسطین در پست کمیساریای عمومی در امور بین‌المللی فعالیت کرده است.

4. Sadi Erguvenc

- ارگونس سپهد و فرمانده نیروهای ترکیه در ناتو بود که در سال ۱۹۹۲ بازنشسته شد. وی پس از بازنشستگی به عنوان مشاور نظامی فعالیت داشت.

5. Ustun Erguder

- ارگودر رئیس سابق دانشگاه بوغازچی ترکیه و از فعالان سیاسی بود.

6. Vamik Volkan

- ولکان استاد روانپزشکی دانشگاه ویرجینیا بود.

7. Van Z. Krikorian

- کرکوریان رئیس هیات امنای مجمع ارمنستان آمریکا و نماینده دائم ارمنستان در سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ بود.

8. Alexander Arzumanian

- آرزومانیان اولین سفیر ارمنستان در ایالات متحده بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ و در سازمان ملل بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ بود. وی از سال ۱۹۹۶ تا سال ۱۹۹۸ به عنوان وزیر امور خارجه خدمت کرد. سپس به عنوان رئیس جنبش آزادی بخش ملی ارمنستان بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ وارد سیاست‌های ملی شد.

6. David Hovhannissian

- هوانیسیان استاد دانشگاه ایالتی ایروان و سفیر پیشین ارمنستان در سوریه بود.

7. Andranik Migranian

- میگرانیان مشاور سابق رئیس جمهور روسیه، بوریس یلتسین، بود.

مشترک به مرکز بین المللی عدالت انتقالی^۱ جهت تعیین تکلیف وقایع سال ۱۹۱۵ در خصوص ارامنه ساکن ترکیه بود (Shougarian, 2016:83-93). در نتیجه تفاهم یادشده مرکز بین المللی عدالت انتقالی موضوع را مورد بررسی قرار داد و اعلام کرد، "ما معتقد هستیم، منطقی ترین نتیجه گیری از گزارش های مختلف ذکر شده... از وقایع این است که... حداقل برخی از عاملان وقایع می دانستند که نتیجه اقدامات آنها نابودی ارمنیان شرقی آناتولی به طور کلی خواهد بود... بنابراین، قصد نسل کشی وجود داشته است... و می توان گفت که وقایع، شامل همه عناصر جرم نسل کشی که در کنوانسیون تعریف شده است می باشد" (ICTJ, 2002). البته در همین نظر به این نکته اشاره شده است که طبق کنوانسیون نسل کشی مسئولیت کیفری برای افراد یا کشورها به دلیل وقایع ابتدای قرن ۲۰ و یا هر رخدادی قبل از ۱۲ ژانویه ۱۹۱۵ ایجاد نمی گردد.

به علاوه طی جلسه دوم شرکت کنندگان تصمیم گرفتند به دولت ترکیه پیشنهاد دهند تا محدودیت های ویزا علیه شهروندان ارمنستان را لغو نماید. در نتیجه مذاکرات صورت گرفته با دولت های دو طرف در آغاز سال ۲۰۰۲، مطابق با توصیه کمیسیون، دولت ترکیه محدودیت های ویزا علیه اتباع ارمنستان را کاهش داد (Mandaci, 2014: 252).

^۱. International Center for Transitional Justice (ICTJ)

۴. ارزیابی تارک بر اساس الگوی ارزیابی چند لایه‌ای

نخستین مرحله برای ارزیابی تارک، سنجش میزان رعایت اصول پایه در فعالیت دیپلماسی مسیر دوم (شکل ۲) است.

شکل ۲. اصول پایه در فعالیت دیپلماسی مسیر دوم - الگوی ارزیابی چند لایه‌ای



منبع: (سجادپور، نگین راز، ۱۳۹۳: ۲۲۶)

فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم بهتر است مخفیانه و در قالب رویدادهای دانشگاهی صورت پذیرد، چرا که در اغلب منازعات، بویژه منازعاتی که طولانی بوده و حل آنها در سطوح رسمی با بن بست مواجه شده است، افکار عمومی و یا دولت‌مردان پذیرای چنین فعالیتی نیستند (Burgess, 2010,40). منظور از مخفیانه‌بودن عدم رسانه‌ای شدن فعالیت‌ها و برگزاری در قالب نشست‌های علمی با موضوعات دانشگاهی است. به‌طور کلی فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم باید محیطی را فراهم کند تا طرفین به دور از دغدغه‌های سیاسی و مواضع رسمی، نظرات خود را بیان کنند و فهم خود را نسبت به طرف مقابل افزایش دهند.

از جمله ضعف‌های تارک رسانه‌ای شدن زود هنگام آن بود. این امر علاوه بر اینکه سبب بروز واکنش‌های جدی برای جلوگیری از تشکیل و ادامه فعالیت گردید، سبب شد، شرکت‌کنندگان علی‌رغم دستیابی به اجماع در برخی موضوعات، به هنگام عمومی شدن دستاوردها، به دلیل ترس از واکنش‌ها، به مواضع اولیه خود بازگردند (Ter-Matevosyan, 2016: 133).

دعوت از افراد تاثیرگذار یکی دیگر از مهم‌ترین اصول پایه در فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم است. با توجه به الگوی پل لدارچ (Ledarch, 1997, 39) فعالیت دیپلماسی مسیر

دوم زمانی می‌تواند موفق عمل کند که شرکت‌کنندگان از میان رهبران سطوح دوم و سوم انتخاب شوند. دعوت از افراد موثر بر اساس درجه اهمیت، می‌تواند طیف وسیعی از نخبگان سیاسی و دانشگاهی غیر رسمی برجسته تا نخبگان محلی را شامل شود. افراد شرکت‌کننده باید بتوانند دستاوردهای حاصل از این فعالیت‌ها را در کشورهای متبوع خود نشر دهند و لازمه این امر همانطور که در نظریه اقناع هاولند بدان اشاره گردید مورد اعتماد بودن منبع پیام در میان مخاطبان پیام است.

نکته مهم دیگر در نظر گرفتن تنوع شرکت‌کنندگان است. شرکت‌کنندگان باید از بین تمامی بازیگران در منازعه انتخاب شوند. چنانچه شرکت‌کنندگان از تفکری خاص مثلاً تفکر میانه‌رو انتخاب شوند، با این هدف که ظرفیت گفتگو با طرف مقابل را دارند و سایر بازیگران نادیده گرفته شوند، دستاوردهای حاصله فقط در طیف طرفدار میانه رو تاثیر خواهد داشت و این دستاوردها به دلیل نادیده گرفتن افکار و نظرات سایر طیف‌های درگیر در منازعه با اقبال از جانب طرفداران آن طیف‌ها روبرو نخواهد شد.

در تارک شرکت‌کنندگان از بین افرادی انتخاب شده بودند که معتقد به حل منازعه دو کشور بوده و با توجه به سابقه فعالیت، نخبگان سیاسی نزدیک به رهبران عالی‌رتبه در هر دو کشور محسوب می‌شدند. با این وجود نظر به اینکه کشور ارمنستان تازه تاسیس بود و سابقه دیپلماتیک اندکی داشت، عملاً علم و اراده‌ای به استفاده از دیپلمات‌های بازنشسته در آن وجود نداشت. این در صورتی بود که دولت ترکیه به خوبی از تجارب و ارتباطات دیپلمات‌های بازنشسته خود استفاده می‌کرد. به علاوه در طرف ارمنی ارتباط موثری بین شرکت‌کنندگان و دولت متبوع وجود نداشت. به عنوان مثال الکساندر آرزومانیان از جمله مخالفان دولت وقت ارمنستان در زمان شرکت در این فعالیت بود (Shougarian, 2016:111). از همین رو در جریان مذاکره، الکساندر آرزومانیان و دیوید هوانیسیان که از مقامات دولت تر-پتروسیان بودند از سوی نخبگان دولت کوچاریان^۱ به دلیل ملاحظات سیاسی داخلی مورد انتقاد شدید قرار گرفتند. آندرانیک میگرانیان، شهروند روس با ریشه ارمنی، عضو ارزشمند نخبگان روس، مشاور بوریس یلتسین^۲ و مدیرمؤسسه دموکراسی و همکاری^۱ نیز فاقد حمایت سیاسی هم از طرف دولت کوچاریان و هم دولت ولادیمیر پوتین در روسیه بود (Yapici, 2013:160).

^۱. Kocharyan

^۲. Boris Yeltsin

مشکل دیگری که در این حوزه وجود داشت، این بود که شرکت‌کنندگان نماینده تمامی گروه‌ها در جوامع خود نبودند و این امر از مقبولیت تارک می‌کاست. همانطور که تر ماتووسیان^۱ (Ter-Matevosyan, 2016:248) می‌گوید در این فعالیت جایگاه گروه‌های مخالف در ترکیه و دیاسپورای ارمنی نادیده گرفته شد. عدم حضور نماینده این گروه‌ها در فعالیت سبب شد علاوه بر مخالفت با این اقدام، عملاً دستاوردهای آن حداقل تا سال‌ها مورد استفاده قرار نگیرد. اکثریت شرکت‌کنندگان ارمنی در این فعالیت از مقامات دولت تر پترووسیان بودند که هرگز با ارمنیان خارج از کشور روابط خوبی نداشتند.

نکته دیگر در خصوص شرکت‌کنندگان این بود که از بازیگران منطقه‌ای این منازعه چون جمهوری آذربایجان و روسیه نماینده‌ای در این فعالیت حضور نداشت. شرکت‌کنندگان آمریکایی نیز بیشتر نقش ثالث و تسهیل‌کننده جلسات را داشتند و کمتر در مباحثات شرکت می‌کردند. بنابراین ملاحظات، ایده‌ها و نگرانی‌های این دسته از بازیگران عملاً نادیده گرفته شد. این امر سبب شد تا دستاوردهای حاصل از این فعالیت مورد تهاجم بازیگران نامبرده از جمله جمهوری آذربایجان قرار گیرد. مخالفت‌های دولت جمهوری آذربایجان یکی از دلایل اصلی برانگیخته شدن اعتراضات توسط گروه‌های ترک متمایل به آذربایجان در ترکیه بود.

نکته قابل توجه دیگر در خصوص شرکت‌کنندگان تارک این بود که طراحی کنندگان این فعالیت آن را همانطور که منداچی^۲ می‌گوید (Mandaci, 2014:239) فعالیتی مسیر دوم بین دو کشور و نه دو ملت طراحی کرده بودند. اما همانگونه که هارولد ساندرز^۳ می‌گوید " دولت‌ها توافق نامه‌های صلح را امضا می‌کنند، اما این مردم درگیر در منازعه هستند که باید صلح را اجرا کنند." (Montville, 2006:19). تارک فقط سطح تصمیم‌گیران را به عنوان مقصد پیام مورد توجه داشت و برای تنویر افکار عمومی برنامه‌ای نداشت. به همین دلیل برگزاری و تصمیمات این فعالیت به طور جدی با مخالفت عموم مردم در طول مرزهای دو کشور روبرو شد.

اصول پایه دیگری که باید در تارک مورد ارزیابی قرار گیرد نقش فعال طرف ثالث است. طرف ثالث نقش برجسته‌ای در فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم دارد. از این جمله می‌توان

³. Institute for Democracy and Cooperation

². Ter-Matevosyan

³. Mandaci, Nazif

⁴. Harold Sanders

به فراهم کردن مقدمات و محل برگزاری جلسات و دعوت از نخبگان یا شرکت‌کنندگان دو طرف، فراهم کردن شرایط در حین جلسات برای مطرح شدن ایده‌ها و نگرانی‌های طرفین بدون اینکه طرف مقابل مانع از صحبت کردن آنها شود، مطرح کردن سوالات برای پیشبرد گفتگوها، ترغیب طرفین برای ادامه گفتگوها، تامین بودجه به شیوه مقتضی، هدایت مباحث به شکل بیطرفانه، کاهش تردیدها و افزایش اعتماد طرفین، انتخاب موضوعاتی که برای هر دو طرف جالب بوده و برای شرکت در این طرح‌ها در آنها انگیزه کافی ایجاد کند و یافتن زمینه‌های مشترک پیش از آغاز فعالیت‌ها، اشاره کرد (Rouban, 1995:266-267). طرف ثالثی که به عنوان نماینده یکی از طرفین و یا کشور تامین‌کننده بودجه و یا کشورهای قدرتمند شهرت پیدا کند، نمی‌تواند در پیش‌برد این فعالیت‌ها موفق عمل نماید چرا که عنصر اعتماد را از دست داده است.

همانگونه که گفته شد، تارک توسط آمریکا و در قالب فعالیت‌های صلح‌سازی در قفقاز تأسیس گردید. اما با توجه به تاریخ منطقه و منافع بازیگران، آمریکا به هیچ وجه ثالث مناسبی برای تأسیس این فعالیت نبود؛ چرا که افکار عمومی دو طرف بویژه ارمنی‌ها نسبت به اهداف و نیت آمریکا و بی‌طرفی آنها مثبت نبود. همین امر سبب شد افراد شرکت‌کننده در این فعالیت‌ها وطن‌فروش نامیده شوند (Yarıcı, 2013:154-163). تا آنجا که به دلیل فشارهای رسانه‌ای و سیاسی که وجود داشت چند عضو این فعالیت مجبور به ترک آن شدند. در این باره نیت آمریکا برای کاهش تاثیر روسیه را نیز باید در نظر گرفت. با توجه به نفوذ سیاسی روسیه در منطقه، بویژه در ارمنستان، این کشور مانع از قدرت گرفتن اقدامات غیررسمی آمریکا در این منطقه که منتج به کاهش قدرت روسیه می‌گردد، می‌شوند. تارک نیز از این فائده کلی‌مثنی نبود.

در نظر گرفتن توازن قدرت یکی دیگر از اصول اصلی دیپلماسی مسیر دوم است. معمولاً در منازعات یکی از طرفین قویتر است. طرف‌های قویتر بر سر موضوعاتی که برتری با آنها است حاضر به مصالحه نمی‌شوند، مگر اینکه در نتیجه این مصالحه به دستاورد مهمتری دست یابند. منازعاتی که بدون در نظر گرفتن این اصل حل می‌شوند، معمولاً برگشت‌پذیر هستند. از آنجا که دستاوردهای دیپلماسی مسیر دوم بر پایه تبادل نظر طرفین است، این فعالیت‌ها فرصتی را فراهم می‌کنند تا طرف‌های ضعیف‌تر در منازعه فرصت گفتگو در مورد ایده‌ها و درخواست‌های خود را پیدا کنند (Burgess, 2010:40). البته این ویژگی

مثبت بدون در نظر گرفتن توازن قدرت در مرحله راه‌حل‌های پیشنهادی، انتقال دستاوردها به سطوح رسمی طرف قویتر را با مشکلات اساسی روبرو می‌کند. برای عدم مواجهه با این مشکل، پیش از شروع فعالیت این موضوع باید توسط ثالث مد نظر قرار گیرد و در زمان‌های مقتضی به طرف ضعیف‌تر گوشزد گردد.

در تارک با توجه به اینکه اغلب شرکت‌کنندگان از مقامات اجرایی سابق بودند و اشراف کامل بر فرصت‌ها و محدودیت‌ها در منازعه داشتند، تلاش شد تا راه‌حل‌های ارائه شده قابل دستیابی و با در نظر گرفتن کلیه ابعاد سیاسی و اجتماعی باشد. به همین خاطر هم این فعالیت دستاوردهای کم، اما مفیدی داشت. به عبارتی هم نقشه راه تهیه شده با در نظر گرفتن توازن قدرت و با رویکرد عملگرایانه تدوین شد و هم درخواست نظر از "مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی" با در نظر گرفتن منافع دو طرف بود.

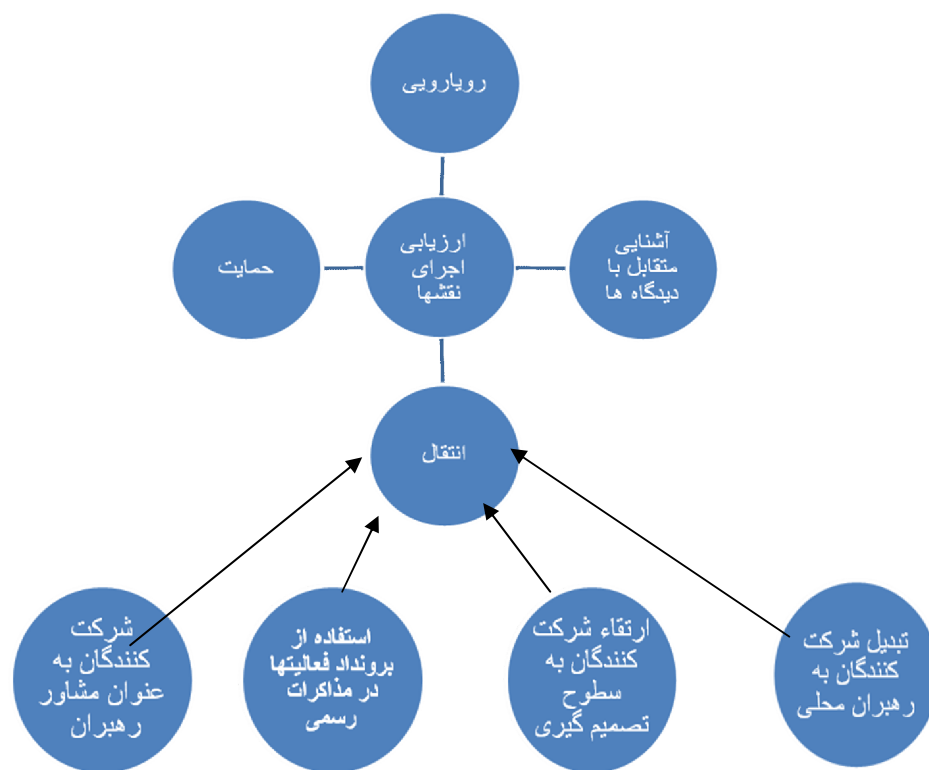
در نقشه راه تهیه شده توسط تارک، تسریع در روابط دیپلماتیک، ابداع چارچوب‌های جدید مشورتی و تحکیم روابط از طریق توافقنامه‌های تکمیلی، بازگشایی مرز ترکیه-ارمنستان جهت حمل و نقل و تجارت بدون مانع با هدف بهبود وضعیت اقتصادی مردم ساکن در دو طرف مرز، تقویت اقدامات امنیتی/ضد تروریسم و اعتمادسازی بین ترکیه و ارمنستان، صدور بیانیه‌های رسمی حمایت از برنامه‌های جامعه مدنی متمرکز بر آموزش، علوم، فرهنگ و جهانگردی، ایجاد سازوکارهای ثابت جهت همکاری و ارائه کمک‌های بهداشتی در هنگام بلایای انسانی، تقویت درک دینی از طریق بازسازی اماکن مذهبی و حمایت از حقوق و عملکرد بنیادهای مذهبی و برداشتن گام‌های مؤثر با هدف نشان دادن تلاش دولت‌ها برای حل مناقشه جهت تنویر افکار عمومی دو ملت، به عنوان اقدامات لازم به دو دولت پیشنهاد شد. نظر مشورتی مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی نیز با تایید عناصر نسل‌کشی در رخداد های ۱۹۱۵ و در عین حال اعلام عدم مسئولیت دولت فعلی ترکیه برای رخداد های آن سال، کلیه جوانب مناقشه از نظر دو دولت را در نظر گرفته بود.

این امر همچنین نشان دهنده این است که یکی دیگر از اصول پایه فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم که همان بحث‌های تحلیلی برای دستیابی به راه‌حل‌های محتمل است، در این فعالیت علی‌رغم مشکلات موجود به بهترین شکل انجام شده است. چرا که دستاوردهای حاصل شده عمل‌گرایانه و با در نظر گرفتن جوانب سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و تاریخی است. همانطور که کلمن (Kelman, 1972:167) می‌گوید بحث و

گفتگوی طرفین مذاکره در جلسات و کارگاه‌های دیپلماسی مسیر دوم سبب روشن شدن ابعاد منازعه و موضع‌گیری‌های طرف مقابل می‌شود. این دیدارها همچنین به تبیین این موضوع که اطراف اختلاف تا چه میزان از خواسته‌های خود کوتاه می‌آیند و در چه موضوعاتی حاضر به مصالحه هستند نیز کمک می‌کند. در چنین فضایی شرکت‌کنندگان پس از اعلام نظرات خود و شنیدن نظرات طرف مقابل چهره انسانی‌تری از یکدیگر می‌یابند و برای ادامه گفتگوها تا دستیابی به راه‌حل‌های محتمل برای حل منازعه آماده می‌شوند. در این صورت حتی اگر علت منازعه بدفهمی نبوده و ناشی از نزاع بر سر کسب منافع بیشتر باشد، متقاعد کردن طرفین به اینکه خاتمه منازعه بیش از ادامه آن می‌تواند به نفع آنها باشد کارگشا است. البته همانطور که فیلیپس^۱ از مجریان این برنامه اظهار می‌کند تارک با چالش‌هایی در این حوزه روبرو بود چرا که برخی موضوعات مورد مناقشه از جمله بحث پیرامون مسئله نسل‌کشی ارمنه در جلسات مانع از تمرکز بر راه‌حل می‌شد (Mkrtychyan, 2011)، اما فیلیپس و همکارانش به عنوان ثالث برای حل این مشکل از مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی نظر مشورتی خواستند و شرکت‌کنندگان این فرصت را پیدا کردند تا با آرامش خاطر به سایر ابعاد مناقشه بپردازند.

^۱. Phillips

دومین مرحله برای ارزیابی تارک، سنجش اجرای نقش ها (شکل ۳) در این فعالیت است. شکل ۳. ارزیابی اجرای نقش ها در دیپلماسی مسیر دوم - الگوی ارزیابی چندلایه ای



منبع: (سجادپور و نگین راز، ۱۳۹۳: ۲۲۹)

در مورد نقش اول یعنی رویارویی، باید سنجید این فعالیت تا چه میزان در راضی نمودن افراد و شخصیت های مورد نظر تاسیس کنندگان فعالیت، برای شرکت در فعالیت ها موفق عمل کرده اند. تارک توانست شخصیت های صاحب نامی را در دو طرف مرزهای درگیری برای مذاکره گرد یکدیگر آورد. این رویداد که روابط دو کشور بعد از قطع روابط دیپلماتیک بی سابقه بود. طراحی کنندگان فعالیت برای اینکه بتوانند این فعالیت را راه اندازی کنند افرادی را انتخاب کردند که نسبت به حل مشکلات فی مابین و رفع موانع ارتباط دو کشور نظر مساعد و یا حداقل خنثی داشتند. بنابراین می توان اذعان داشت تارک در جامع عمل پوشاندن به نقش نخست تا حد زیادی موفق عمل کرد.

نقش دوم یعنی آشنا کردن شرکت‌کنندگان با نظرات یکدیگر بدین معنا است که شرکت‌کنندگان در نتیجه تعامل با یکدیگر، فهم و درک جدیدی از مناقشه و روش‌های حل آن دریافت نمایند و چهره دشمن در نظر آنها انسانی‌تر شود. با توجه به حصول دستاوردهای عملگرایانه که شرح آن رفت، می‌توان اظهار داشت که شرکت‌کنندگان در این فعالیت، ضمن آشنایی با عقاید و نظرات یکدیگر، توانستند به این منطق برسند که باید دغدغه‌ها و نظرات طرف دیگر را نیز در هرگونه راه‌حل محتمل در نظر گرفت.

ارزیابی نقش سوم یعنی انتقال دستاورد فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم کار بسیار مشکلی است. چرا که نظرات تصمیم‌گیران به عوامل مختلفی بستگی دارد و تخمین میزان تاثیر فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم بر تصمیم آنان کار مشکلی است. اما، برای ارزیابی نسبی اجرای این نقش می‌توان مواردی چند را رصد نمود. این موارد شامل استفاده از برون‌داد این فعالیت‌ها شامل توصیه‌ها، نقشه‌ها و اطلاعات در مذاکرات رسمی، ارتقاء افراد شرکت‌کننده در این فعالیت‌ها به جایگاه‌های بالای اجرایی و یا تصمیم‌گیری، تبدیل شدن افراد شرکت‌کننده به رهبران محلی و ارتقاء افراد شرکت‌کننده به عنوان مشاور تصمیم‌گیران و رهبران محلی، می‌شود.

مرحله انتقال در تارک را نمی‌توان چندان موفق دانست. علت اصلی این رخداد نیز انتخاب نادرست شرکت‌کنندگان، بویژه در طرف ارمنی، بود. با این وجود با توجه به استفاده از توصیه‌های نقشه‌راه ارائه شده توسط تارک در پیمان زوریخ بین دو کشور و همچنین آسان شدن اخذ ویزا توسط ارمنه در مرز ترکیه از سال ۲۰۰۲ می‌توان اذعان داشت، برخی دستاوردهای تارک به صورت نسبی منتقل شدند.

نقش حمایت به فعالیت‌هایی مرتبط می‌شود که بعد از مذاکرات اصلی و با هدف حمایت از دستاوردهای گفتگوهای رسمی و رفع ابهامات آن صورت می‌گیرد. از این رو مرتبط با فعالیت تارک نمی‌شود. چرا که تارک سال ۲۰۰۴ به پایان رسید و بعد از توافق زوریخ در سال ۲۰۰۹ این فعالیت ادامه پیدا نکرد تا از طریق موثر سبب تقویت توافق حاصله در دو طرف مرزهای درگیری گردد.

مرحله بعد ارزیابی اهداف در فعالیت مورد نظر است. صاحب‌نظران در عرصه دیپلماسی مسیر دوم طیف اهداف این فعالیت‌ها را متنوع می‌دانند که از درمان یا کاهش کلیشه‌های

رفتاری تا تاثیر بر تصمیم‌گیران را در بر می‌گیرد. برای نمونه، جوزف مونتویل^۱ بر تحلیل روانشناختی به عنوان هدف تاکید می‌کند. دیاموند^۲ و مک دونالد^۳ بر کاهش و حل درگیری بین گروه‌ها و یا کشورهای درگیر از طریق ارتباط، فهم و انسانی کردن چهره دشمن به عنوان هدف فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم تاکید می‌کنند (Roubana, 1995:258). اما به طور کلی همانگونه که پیش از این مطرح شد برای فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم می‌توان سه دسته اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را تعریف نمود.

تارک در دستیابی به اهداف کوتاه مدتی که برای خود تعریف کرد موفق بود. این فعالیت توسط ایالت متحده آمریکا تامین بودجه شد، سه جلسه، علی‌رغم تابوی ارتباط ترک‌ها و ارمنی‌ها در هر دو طرف مرزهای درگیری، تشکیل گردید و افرادی که موسسان آنها را برای شرکت در گفتگوها دعوت کرده بودند نیز در این فعالیت حضور یافتند. این فعالیت همچنین به اهداف میان مدت خود از جمله ایجاد درک جدید نسبت به دیگری از طریق آشنایی با نظرات و دغدغه‌های طرف دیگر، تغییر روابط بین طرف‌های شرکت کننده، اعتمادسازی میان طرفین، دستیابی به راه‌حل‌هایی مشترک برای حل اختلاف و رسیدن به توافق دست یافت. انتقال دستاوردها به توده مردم و تصمیم‌گیران ارمنی و همچنین ایجاد جوامع معرفتی در طول مرزهای درگیری از اهداف میان مدتی بودند که تارک از دستیابی به آنها بازماند.

فیلیپس (Mkrtchyan, 2011) در خصوص اهداف این فعالیت می‌نویسد، "تارک در اصل بر گام‌های کوچک و زمینه‌های عملی برای همکاری تأکید داشت تا زمینه را برای حل و فصل مسائل اصلی هموار نماید". از این اظهار نظر چنین بر می‌آید که موسسان تارک، اهداف بلند مدت مبنی بر ایجاد صلح بین دو کشور را در دستور کار این فعالیت قرار نداده بودند. این افراد بیشتر به دنبال ایجاد یک مسیر ارتباطی غیر رسمی بین دولت‌های درگیر به علت قطع روابط دیپلماتیک بودند. از همین رو، افرادی در سطح شرکت‌کنندگان را از مقامات اسبق و وقت دو کشور برای شرکت در فعالیت دعوت کردند. به عبارت دیگر هدف بلند مدت این فعالیت ایجاد زمینه برای یک توافق در سطح رسمی بود. این الگو برگرفته از فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دومی بود که برای پیمان اسلو^۴ از آن استفاده گردید. اما تفاوت عمده در

¹. Joseph Montville

². Diamond

³. Mc Donald

⁴. Oslo Accords

این بود که شرکت‌کنندگان در فعالیت دیپلماسی مسیر دومی که منتهی به پیمان اسلو گردید در طرف رژیم صهیونیستی بعد از یک دوره کوتاه در نتیجه انتخابات مبدل به تصمیم‌گیران شده و از دستاوردهای فعالیت دیپلماسی مسیر دومی که در سال ۱۹۹۱ آغاز شده بود در این توافق استفاده کردند. هرچند این امر در خصوص شرکت‌کنندگان ارمنی رخ نداد.^۱

مسئله‌ای که باید در تمامی مراحل ارزیابی مورد نظر قرار گیرد، تاثیر عوامل خارجی است. این عوامل شامل وقایع تاریخی و تغییرات در فضای سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. تارک دقیقاً چند ماه قبل از اینکه موضوع پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا در این نهاد به رای گذاشته شود، آغاز گردید. بسیاری معتقد بودند این همزمانی تصادفی نیست. در نتیجه، شروع این فعالیت و انتشار اخبار آن در رسانه‌ها، در رای‌گیری اکتبر ۲۰۰۱ پارلمان اروپا تمامی موارد مربوط به شناسایی نسل‌کشی ارمنه از قطعنامه پارلمان اروپا حذف گردید. به این خاطر که اعضای پارلمان اروپا نمی‌خواستند مانع از ادامه فعالیت این کمیسیون تازه تأسیس شوند. وقایع سیاسی آن دوره تا حدی این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند. در ۸ نوامبر ۲۰۰۰، سنای فرانسه قطعنامه‌ای را تصویب نمود که در آن نسل‌کشی مورد مناقشه را به رسمیت می‌شناسد، و دو روز بعد رئیس کلیسای ارمنه، بیانیه‌ای را با پاپ دوم امضا کرد که در آن اظهار داشت، "نسل‌کشی ارمنیان پیش‌درآمد بسیاری از جنایات است که طی قرن گذشته رخ داده‌اند." (Tadevosian, 2000). در ۱۵ نوامبر همان سال، پارلمان اروپا از ترکیه خواست تا روابط دیپلماتیک با ارمنستان را از سرگیرد و محاصره اقتصادی را پایان دهد و به طور علنی نسل‌کشی را بپذیرد. چند روز بعد، دولت ایتالیا قطعنامه مشابهی را تصویب کرد.

علاوه بر عوامل معاصر، عوامل تاریخی که ذکر آن پیش از این رفت نیز در به نتیجه نرسیدن تلاش‌ها در این فعالیت تاثیر قابل ملاحظه داشت. ارمنی‌ها به موضوع نسل‌کشی ارمنه به عنوان حق از دست رفته خود می‌نگردند. مردم ترکیه در طرف دیگر حمایت از جمهوری

^۱ . جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به:

- نگین‌راز، پروین، "الگوی برای ارزیابی دیپلماسی مسیر دوم: مطالعه موردی دیپلماسی مسیر دوم در روند صلح خاورمیانه بین دو انتفاضه (۱۹۸۷-۲۰۰۰)"، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، پاییز ۱۳۹۳.

آذربایجان ترک زبان و مسلمان را غیر قابل انکار می‌دانند و معتقدند در برابر ارمنی‌هایی که در جنگ اول جهانی به ترکیه خیانت کردند باید از جمهوری آذربایجان حمایت کنند.

نکته مهم دیگری که باید بدان توجه کرد، عدم تمایل و یا توانایی بازیگران برای حل اساسی مناقشه است. در حقیقت یک مناقشه زمانی حل می‌شود که آمادگی لازم برای حل مناقشه^۱ ایجاد گردد. در غیر این صورت از آنجا که هر یک از بازیگران منازعه به ویژه طرفین درگیر به این نتیجه نرسیده‌اند که حل مناقشه بیش از ادامه آن تامین کننده منافع آنها است، هیچ راه‌حلی موثر نخواهد بود. در مناقشه ترکیه-ارمنستان از طرفی روسیه تمایل به حفظ وضعیت فعلی دارد، جمهوری آذربایجان نیز با استفاده از مناقشه موجود منافع متعددی را جذب نموده است، ارمنستان به‌رغم تمایل به استقلال، هنوز خارج شدن از چتر حمایتی روسیه را به صلاح نمی‌داند، ترکیه به دلیل برنامه‌های کلان سیاسی و اقتصادی تمایل به حل و فصل موضوع دارد، اما با پیش شرط حل بحران قره‌باغ، آمریکا نیز تمایل به پایان مناقشه دارد، اما با توجه به پیچیدگی موضوع از روش‌های دیگری برای کاهش نفوذ روسیه در منطقه استفاده می‌کند. از این رو باید گفت منازعه هنوز به آمادگی لازم برای عمل به یک راه حل "برد-برد"^۲ توسط تمامی بازیگران نرسیده است.

نتیجه گیری

مناقشه ترکیه-ارمنستان با توجه به چالش دو کشور در خصوص سه موضوع نسل‌کشی ارمنه در سال ۱۹۱۵، عدم قبول مرز تعیین شده میان دو کشور در پیمان قارص از جانب ایروان و حمایت تمام عیار ترکیه از جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ، دارای ماهیت هویتی-سرزمینی^۳ است. در این مناقشه به مانند اغلب مناقشات هویتی-سرزمینی دیپلماسی رسمی به تنهایی قادر به حل ریشه‌ای چالش‌های موجود نبوده و ناگزیر از به کارگیری

^۱. Ripeness of Conflict

^۲. Win-Win Game

^۳. هویتی یکی از جهت دو قومیت ترک و ارمنی و دیگری از جهت دو مذهب مسلمان و مسیحی و سرزمینی یکی از جهت ادعای ارمنستان به سهم بیشتر از سرزمین های عثمانی و دیگری از جهت تعرض به سرزمین های جمهوری آذربایجان است.

دیپلماسی مسیر دوم برای رفع سدهای ذهنی با هدف مهیا نمودن طرف‌های درگیر برای گفتگو در خصوص راه‌حل‌های محتمل است.

فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم در مناقشات طولانی مدت چون مناقشه ترکیه - ارمنستان در صورتی می‌توانند، موفق عمل کرده و واجد دستاوردهای قابل انتقال به سطوح تصمیم‌گیران و عموم باشند که جامع بوده و بر کلیه عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، منطقه‌ای، بین‌المللی و تاریخی موثر بر منازعه اشراف داشته باشند. این ویژگی به موسسان این فعالیت‌ها کمک می‌کند تا طرحی عملیاتی برای فعالیت تعریف و آن را به اجرا درآورند. این طرح از برآیند عوامل موثر بر مناقشه تعیین می‌کند که منبع پیام، محتوای پیام، کانال انتقال پیام و مقصد پیام این فعالیت چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا جوامع معرفی که معماران اصلی برطرف کردن سدهای ذهنی در دو طرف مرزهای درگیری هستند شکل گیرد.

در مناقشات هویتی - سرزمینی با توجه به اینکه موضوع مورد مناقشه بخشی از هویت مردم درگیر در مناقشه را تشکیل می‌دهد، هرگونه فعالیتی که در منبع پیام، محتوای پیام، کانال انتقال پیام و مقصد پیام مردم درگیر را مد نظر قرار ندهد، نه تنها موفق نخواهد بود بلکه با مقاومت‌های جدی نیز مواجه می‌گردد. حتی اگر دستاوردهای حاصل از این نوع دیپلماسی به سطح تصمیم‌گیران منتقل گردد و بنیان تصمیمات دوجانبه رسمی قرار گیرد، مردم و جناح‌های مخالف در اجرای آن اختلال ایجاد خواهند نمود. شاهد این مدعا رخدادهای بعد از پیمان صلح اسلو در دو سوی مرزهای درگیری و در نهایت مبدل شدن آن پیمان به برگه‌ای فاقد ارزش است.

تارک با وجود اینکه توانست تابوی ارتباط ترک‌ها و ارمنی‌ها و مذاکره در خصوص موضوعات حساس مانند نسل‌کشی ارمنه را تا حدودی از میان بردارد و از نظر رسیدن به اهدافی که موسسان این فعالیت برای آن تعریف کرده بودند، موفق بود؛ اما به دلیل نداشتن طرحی جامع یک فعالیت دیپلماسی مسیر دوم ناموفق قلمداد می‌شود. به این خاطر که افکار عمومی دو کشور و حتی بسیاری از جناح‌های سیاسی به مخالفت شدید با آن پرداختند و مانع از به نتیجه رسیدن دستاوردهای ارزشمند آن تا به امروز شده‌اند.

اشکال نخست در طراحی تارک، نیت طراحان آن برای تبدیل این فعالیت به یک کانال غیررسمی تبادل پیام در زمان غیرممکن بودن ارتباط رسمی میان دو دولت بود. به همین خاطر نیز از شرکت‌کنندگان در سطوح بالا که به نظر طراحان می‌توانستند، بر تصمیم‌گیران

در جوامع خود موثر باشند برای شرکت در این فعالیت دعوت شدند. این درحالی است که دیپلماسی مسیر دوم با دیپلماسی مخفی^۱ متفاوت است.

اشکال دیگر تارک انتخاب نادرست منبع و مقصد پیام بود. در دیپلماسی مسیر دوم رهبران میانه برای تاثیر بر تصمیم‌گیران و عموم مردم برای شرکت در فعالیت دعوت می‌شوند. علت دعوت از دسته دوم جلب حمایت ملت‌ها از دستاوردهای حاصل از فعالیت است. تارک به دلیل تمرکز بر تصمیم‌گیران از توجه به عنصر اساسی ملت‌ها به عنوان حامیان و مجریان تصمیمات رهبران سطح بالا بازماند. این امر مانع از تشکیل جوامع معرفتی طی مرزهای درگیری برای انتشار ایده و نظرات به دست آمده از این فعالیت گردید.

زمانی که در طرح یک فعالیت هدف، منبع و مقصد پیام به درستی تعیین نشوند، محتوی و کانال پیام نیز متاثر خواهند شد. محتوی پیام برای مخاطب عام و خاص دو شکل متفاوت دارد. پیام تارک با توجه به اهداف فعالیت برای تصمیم‌گیران تنظیم شده بود در حالی که مخاطب عام با تعصباتی که به هویت او گره خورده و آن را حتی فراتر از منافع ملی می‌داند، نمی‌تواند یک نقشه راه کاملاً فنی و یا نظر یک مرجع بین‌المللی در مورد وقایع ۱۹۱۵ را پایانی بر رنج‌های صد ساله خود قلمداد کند. از طرف دیگر، رسانه‌های گروهی همراه با تحلیل‌های متعدد کانال مناسبی برای انتشار دستاوردهای فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم نیستند. دستاورد حاصل از این فعالیت‌ها باید توسط رهبران میان رده شرکت کننده در فعالیت، بسته به مخاطب، بومی‌سازی شوند. در غیر این صورت یک پیام واحد می‌تواند تفاسیر متعددی را در مخاطبان ایجاد کند.

^۱. Back Channel Diplomacy

منابع و مأخذ

- اسوتوویچ، و.پ.و. (۱۹۹۸)، « جایگاه ارمنستان در تلقی آمریکا از جغرافیای سیاسی منطقه قفقاز»، مقاله از کتاب ارمنستان: مشکلات توسعه استقلال، چاپ موسسه تحقیقات استراتژیک مسکو. ترجمه پروین معظمی گودرزی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۶ (۲۶)، ۳۱-۴۴.
- بنی هاشمی، میر قاسم (۱۳۸۸)، « چشم‌انداز توازن قدرت در قفقاز در پرتو تحول در روابط ترکیه -ارمنستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲ (۴۶)، ۱۱۵-۱۴۴.
- طباطبایی، مهرزاد (۱۳۸۲)، « احیای روابط ارمنستان و ترکیه: ادامه آرمانگرایی یا غلبه منافع ملی؟»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۰ (۴۴)، ۹۰ - ۱۰۸.
- علی حسینی، علی و آئینه‌وند، حسن (۱۳۹۴)، «حسن، تجزیه و تحلیل تاثیر اندیشه نثووراسیاگرایی بر سیاست خارجی روسیه در بحران اوکراین ۲۰۱۴»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱ (۹۲)، ۱۳۱-۱۶۵.
- سجادپور، محمدکاظم و نگین‌راز، پروین (۱۳۹۳)، «بایسته‌ها در الگوی ارزیابی تکنیک دیپلماسی مسیر دوم، مجله سیاست خارجی»، ۲ (۲۸)، ۲۱۳ - ۲۳۶.
- کوزهگر کالجی، ولی (۱۳۹۳)، «تحولات سیاسی در جمهوری ارمنستان (۱۹۸۸-۲۰۱۳)»، انتشارات آشیان، تهران.
- کولایی، الهه و گودرزی، مهناز (۱۳۹۴)، «تأثیر تحولات روابط ارمنستان و ترکیه بر روابط ارمنستان و ایران»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۱ (۳۷)، ۳۸-۷۰.
- مؤمنی، مجیدرضا و رحیمی، امید (۱۳۹۶)، «تقابل ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی-امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان»، مجله مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۰ (۲۰)، ۴۱۵-۴۳۱.
- نقاش، سعیده و عارف، بیژن (۱۳۹۷)، «نسل‌کشی ارمنه به دست ترکان عثمانی»، قابل دسترسی در:
- <https://hoosk.ir/%D9%86%D8%B3%D9%84-%DA%A9%D8%B4%DB%8C-%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%85%D9%86%D9%87-%D8%A8%D9%87-%D8%AF%D8%B3%D8%AA-%D8%AA%D8%B1%DA%A9%D8%A7%D9%86-%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C/>
- Andersen, Andrew and Egge, Georg (2010), "Turkish-Armenian War and the fall of the First Republic", Available at: <http://www.conflicts.rem33.com/images/Armenia/restoration%20and%20terr%20issue/T6.html>, Accessed on: 12 February 2020.
- Burgess, Heidi (2010), "Conducting Track Two Peace Making", Washington D.C.: United States Institute of Peace.

- Aktar, Cengiz and Giragosian, Richard (2013), "Turkey-Armenia Relations, *European Parliament's Committee on Foreign Affairs*. Available at: [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/note/join/2013/433710/EXPO-AFET_NT\(2013\)433710_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/note/join/2013/433710/EXPO-AFET_NT(2013)433710_EN.pdf), Accessed on: 12 July 2020.
- Cornell, Svanete E (2008), Erdogan, Azerbaijan and Armenian Question, *Turkey Analyst*. Available at: <https://www.turkeyanalyst.org/publications/turkey-analyst-articles/item/162-erdogan-azerbaijan-and-the-armenian-question.html>, Accessed on: 29 October 2019.
- Davidson, JK and Alogna, M. and Goldsmith, M and Borden, J (1981), "Assessment of Programme Effectiveness at Grady Memorial Hospital Atlanta", In: Steiner G, Lawrence PA (eds) *Educating Diabetic Patients*. Springer, New York.
- Davutoglu, Ahmet (2008), "Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007", *Insight Turkey*, 10(1), 77-96. Available at: https://www.researchgate.net/publication/281604197_Turkey's_Foreign_Policy_Vision_An_Assessment_of_2007, Accessed on: 1 January 2020.
- Davutoglu, Ahmet (2010), "Turkish Vision of Regional and Global Order: Theoretical Background and Practical Implementation", *Political Reflection*, 1, (2), 36-50. Available at: <https://cesran.org/turkish-vision-of-regional-and-global-order-theoretical-background-and-practical-implementation.html>, Accessed on: 3 January 2020.
- Davutoglu, Ahmet (2014), "Turkish- Armenian Relations in the Process of De-Ottomanization or "Dehistoricization": is a "Just Memory" Possible?" *TurkishPolicy Quarterly*, 13 (1), 21-30. Available at: http://turkishpolicy.com/pdf/vol_13-no_1-davutoglu.pdf, Accessed on: 10 January 2020.
- Dewall, Homas T. (2010), "Armenia and Turkey: Bridging the Gap", Available at: http://carnegieendowment.org/files/armenia_turkey.pdf, Accessed on: 29 July 2020.
- Duzgit, Senem Aydın and Nathalie, Tocci (2009), "Transforming Turkish Foreign Policy: The Quest for Regional Leadership and Europeanisation", Available at: aei.pitt.edu/.../transforming-turkish-foreign-policy, Accessed on: 12 August 2020.
- Friedrich, Parrot (2016), "Journey to Ararat", Translated by William Desborough Cooley. London: Gomidas Institute.

- Giragosian, Richard (2009), "Changing Armenia-Turkish Relations", *Fredrich Ebert Stiftung*, Available at:
<https://library.fes.de/pdf-files/bueros/georgien/06380.pdf>, Accessed on: 20 June 2020.
- Goshgarian, Rachel (2005), "Breaking the Stalemate: Turkish-Armenian Relation in the 21st Century", Available at:
<http://turkishpolicy.com/article/174/breaking-the-stalemate-turkish-armenian-relations-in-the-21st-century-winter-2005>, Accessed on: 11 June 2020.
- ICTJ (2002), "Answer to the Turkish Armenian Reconciliation Commission (TARC) on Questions of Reconciliation and Transitional Justice,"
- HISTORY (2010), "Armenian Genocide", Available at:
<http://www.history.com/topic/world-war-i/armenian-genocide>, Accessed on: 20 October 2019.
- ICHD (2016), "Armenian - Turkish Track Two Diplomacy Projects: Assessment of Best Practice", Available at: www.ichd.org, Accessed on: 5 November 2019.
- ICTJ (2002), "Answer to the Turkish Armenian Reconciliation Commission (TARC) on Questions of Reconciliation and Transitional Justice, Available at:
<https://www.ictj.org/sites/default/files/ICTJ-Turkey-Armenian-Reconciliation-2002-English.pdf>, Accessed on: 1 January 2020.
- Jones, Peter (2013), "Non-state actors who bring nations closer", Available at:
<http://www.thehindu.com/opinion/lead/nonstate-actors-who-bring-nations-closer/article4273803.ece>, Accessed on: 12 October 2013.
- Kaligian, Drikran M. (2008), "The Use and Abuse of Armeno-Turkish Dialogue", *Armenian Review*, 50 (1), Available at:
https://www.academia.edu/35069492/The_Use_and_Abuse_of_Armeno_Turkish_Dialogue, Accessed on: 23 October 2019.
- Kaye, Dalia D. (2007), "Talking to the Enemy; Track Two Diplomacy in the Middle East and South Asia", Santa Monica, RAND, Available at:
<https://www.rand.org/pubs/monographs/MG592.html>, Accessed on: 15 March 2019.
- Hill, Fiona and Kemal, Kirişci and Moffa, Andrew (2015), "Armenia and Turkey: From normalization to reconciliation", Available at:
<https://www.brookings.edu/articles/armenia-and-turkey-from-normalization-to-reconciliation/>, Accessed on: 30 October 2019.
- Minassian, Gaids (2008), "Armenia a Russian Outpost in Cacasus?" *Russia NIS Center*. Available at:

https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifri_RNV_minassian_Armenie_Russie_ANG_fevr2008.pdf, Accessed on: 16 February 2020.

- Mandaci, Nazif (2014), "Reconciliation under the Shadow of Diaspora Politics: Some Lessons from the Turkish-Armenian Reconciliation Commission (TARC)", *Dokuz Eylül Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi Cilt*, 16 (2), 235-257. Available at:

https://www.academia.edu/21550607/Reconciliation_under_the_Shadow_of_Diaspora_Politics_Some_Lessons_from_the_Turkish_Armenian_Reconciliation_Commission_TARC_, Accessed on: 23 October 2019.

- Mkrtychyan, Tigran (2011), "The Role of NGOs in Turkey-Armenia Rapprochement, European Stability Initiative", Pages 154-162 of the book volume 77 of NATO Science for Peace and Security Series - E: Human and Societal Dynamics. Available at:

<https://www.esiweb.org/pdf/Mkrtychyan,%20Goksel%20-%20The%20Role%20of%20NGOs%20in%20Turkey-Armenia%20Rapprochement%20-%20November%202009.pdf>, Accessed on: 15 March 2020.

- Montville, Joseph (1987), "The Arrow and the Olive Branch: The Case for Track Two Diplomacy", Philadelphia: Temple University Press.

- Neginraz, Parvin and Vrabie, Catalin (2020), "Multilayer Model of Assessing Track Two Diplomacy", *Academos conference*.327-337. Available at:

https://www.researchgate.net/publication/347445457_Multilayer_Model_of_Assessing_Track_Two_Diplomacy, Accessed on: 15 August 2020.

- Nichol, Jim (2010), "Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Political Developments and Implications for U.S. Interests", *CRS Report for Congress*, Available at: www.fas.org/sgp/crs/row/RL33453.pdf, Accessed on: 15 November 2019.

- Phillips, David L. (2005), "Unsilencing the Past: Track Two Diplomacy and Turkish-Armenian Reconciliation", New York and Oxford: Berghahn Books.

- Phillips, David (2009), "Testimony to the U.S. House Foreign Affairs Committee", Available at: <http://foreignaffairs.house.gov/111/phi051409.pdf>, Accessed on: 15 April 2020.

- Policy Documentation Center (2011); "Armenia in 2010: A Year of Uncertainty", Available at: Civitasfoundation.org, Accessed on: 24 October 2019.

- Roubana, Nadim N. (1995), "Unofficial Third-Party Intervention in

International Conflict: Between Legitimacy and Disarray”, *Negotiation Journal*, 11(3), 255–270, Available at:

<https://link.springer.com/article/10.1007/BF02187220>, Accessed on: 24 January 2020.

- Ruben, Safrastyan (2004), “Armenian-Turkish Relations: From Interstate Dispute to Neighborliness”, Available at:

<http://pdc.ceu.hu/archive/00001921/01/safrastyan.pdf>, Accessed on: 18 March 2020.

- Shahnazaryan, David (2014), “Nervous Neighbors: Five Years after the Armenia-Turkey Protocols”, *Turkish Policy Quarterly*, 13(3), 45-52. Available at: <http://turkishpolicy.com/Files/ArticlePDF/nervous-neighbors-five-years-after-the-armenia-turkey-protocols-fall-2014-en.pdf>, Accessed on: 23 March 2020.

- Shougarian, Rouben R. (2016), “Contemporary History and Methodology of International Mediation of Armenian-Turkish Relations”, *Dissertation provided to National Academy of Sciences of the Republic of Armenia Institute of Oriental Studies*, applicant for candidate of sciences in history, Available at: http://etd.asj-oa.am/4440/1/First_Draft_Dissertation_Final_Formatted.pdf, Accessed on: 25 April 2020.

-Suny, Ronald Grigor (2015), “Armenian Genocide”, *TURKISH-ARMENIAN HISTORY*, Available at: <https://www.britannica.com/event/Armenian-Genocide>, Accessed on: 14 May 2020.

-Tacar, Pulat and Gauin, Maxime (2012), “State Identity, Continuity, and Responsibility: The Ottoman Empire, the Republic of Turkey and the Armenian Genocide: A Reply to Vahagn Avedian”, *European Journal of International Law*, 23(3), 821–835, Available at: <https://doi.org/10.1093/ejil/chs047>, Accessed on: 27 March 2020.

-Tedovisian, Ara (2000), “Armenian Ghost Haunt Istanbul”, *Institute of War and Peace Reporting (IWPR)*, 61(1), Available at: <http://iwpr.net/report-news/armenian-ghosts-haunt-istanbul>, Accessed on: 14 April 2020.

- Ter-Matevosyan, Vahram (2016), “Track Two Diplomacy between Armenia and Turkey: Achievements and Limitations”, *CAUCASUS ANALYTICAL DIGEST*, 86 (1). Available at:

<https://www.laender-analysen.de/cad/pdf/CaucasusAnalyticalDigest86.pdf>, Accessed on: 22 January 2020.

- Yapici, Utku (2013), "Track-Two Diplomacy in Turkish Foreign Policy: The Turkish-Armenian Reconciliation Commission Example", *the Turkish Yearbook of International Relations*, 44 (1), 149 – 166. Available at:

<https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/844919>, Accessed on: 27 December 2019.

- Wael, Brome (2018), Turkish Armenian Conflict, *American University of Beirut*. Available at:

https://www.researchgate.net/publication/325743682_Turkish_Armenia_Conflict
Accessed on: 30 December 2019.

- Wael Bilgin, Mert (2010), "Energy and Turkey's Foreign Policy: State Strategy, Regional Cooperation and Private Sector Involvement", *Turkish Policy Quarterly*, 9 (2). Available at:

https://www.esiweb.org/pdf/esi_turkey_tpq_vol9_no2_mert-bilgin.pdf, Accessed on: 12 August 2020.

- Wood, W., and Eagly, A. H. (1981), "Stages in the Analysis of Persuasive Messages: The Role of Causal Attributions and Message Comprehension", *Journal of Personality and Social Psychology*, 40(2), 246–259. Available at: <https://doi.org/10.1037/0022-3514.40.2.246>, Accessed on: 12 June 2020.